



## تحلیل روش تربیتی الگوپذیری در حدیث شریف کساء و تطبیق آن با مفهوم الگو در رویکرد شناختی اجتماعی بندورا

فاطمه سادات فاضلی\*

### چکیده

فطرت انسان کمال جوست و با توجه به کوتاه بودن زندگی دنیایی باید در سریع‌ترین زمان ممکن پله‌های ترقی را طی کند، بنابراین داشتن بهترین الگو می‌تواند در مسیر کمال کمک کند. با توجه به منابع قرآنی و روایتی، معصومین بهترین الگو در جوامع بشری است که می‌توان از نمونه‌های آن به حدیث شریف کساء اشاره نمود. پژوهش پیش رو با روش توصیفی، تحلیلی تلاش دارد به تحلیل روش تربیتی الگوپذیری در حدیث شریف کساء و تطبیق آن با مفهوم الگو در رویکرد شناختی اجتماعی «بندورا» بپردازد و به چگونگی تطبیق روش الگوپذیری حدیث شریف با نظریه بندورا و اینکه این دو چه نوع رابطه می‌توانند با یکدیگر داشته باشند پاسخ می‌دهد. براین پژوهش نشان می‌دهد میزان تأثیرگذاری و جامع عمل بودن و فراگیر بودن حدیث شریف کساء به عنوان یک الگوی بی نقص نه تنها با روش الگویی بندورا قابل تطبیق است بلکه حدیث شریف کساء دارای نکات ارزشمند دیگری نیز هست که در فرایند الگوپذیری تأثیر بسزایی دارد و با توجه به نکات تربیتی که حدیث شریف کساء دارد می‌تواند خود یک روش الگویی خوبی برای الگوپذیران در مسیر یادگیری ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: الگوپذیری، حدیث شریف کساء، شناختی اجتماعی، بندورا، الگو.

\* کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، جامعه المصطفیٰ العالمیه خراسان/

atre.nargess@gmail.com



## مقدمه

از دیرباز تا کنون در جوامع گوناگون نقش الگوها در تربیت، مورد توجه پیامبران الهی، فیلسوفان، دانشمندان، معلمان، والدین و دیگر متریان بوده است، وجود الگوهای مناسب و محبوب توجه افراد به خود جلب می‌کند و سبب پیروی و تقلید از آنان می‌شود و توجه به این نکته که این الگوهای محبوب لزوماً همگی آنها درست نیستند و موارد نادرست نیز در بین آنان وجود دارد پس اهمیت و ضرورت پیدا کردن یک الگوی مناسب برای کسی که دغدغه تربیت و کمال را دارد روشن می‌شود که می‌تواند با در نظر داشتن اهداف و ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی و راهنمایی‌هایی که در قرآن درباره الگو می‌کند بهره‌گرفت، چرا که قرآن و هر چیزی که به آن وصل است بنابر اقتضای زمانه وارد عرصه فکری جوامع می‌شود، از این رو می‌تواند منبع بسیار مهمی برای اندیشمندان مسلمان باشد.

یکی از انواع یادگیری، یادگیری از طریق مشاهده است که می‌تواند مهم‌ترین شیوه برای یادگیری باشد، به این خاطر که لازم نیست تا وقت و انرژی زیادی را صرف مهارتها، نگرش‌ها، دانش‌ها و پیامدهای آن کنیم و عینی‌ترین روش و آسان‌ترین مسیر در تعلیم و تربیت است. همین‌طور شخص با انتخاب یک الگو می‌تواند مسیر کمال خویش را با اقتدا به او طی کند و گذراندن این مسیر را برای خویش سهل و آسان کند و چه بسا نیروی محرکه‌ای در زمان سختی‌ها و گرفتاری‌ها باشد و به کمک الگوها فشار دشوار بودن کارها را کم کند و در ضمن آن توهمی نبودن آموزه‌ها، خیالی نبودن و عمل‌گرا بودن آموزه‌ها را اثبات می‌کند.

واضح است که ما بسیاری از رفتارهایمان را از طریق مشاهده کردن کسب کرده‌ایم و از همان ابتدای کودکی تا بزرگسالی بخش قابل توجهی از زندگی ما یادگیری از طریق مشاهده مستقیم یا غیر مستقیم بوده است، پس ارائه روش الگویی و ارائه الگو از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در بحث تربیت برخوردار است.

اگرچه به خاطر کاربردی بودن یادگیری از طریق مشاهده از دیرباز مورد توجه بوده اما ارائه بهترین، گویاترین، درست‌ترین روش و قابل اجرا بودن و دسترسی داشتن عموم افراد به آن الگو و روش الگو موضوعی است که با گذر زمان به روش‌های متنوع و جدیدتری از روش‌های الگویی دست می‌یابیم به امید آنکه کامل‌کننده و یا اصلاح‌کننده روش‌ها و نمونه‌های قبلی باشد.

با توجه به نکات تربیتی که حدیث شریف کساء دارد تا کنون برخی آثار به ارائه نکات تربیتی آن اشاره کرده‌اند اما تا به حال پژوهشی مبنی بر اینکه این حدیث شریف ضمن ارائه الگوهای موثر خود می‌تواند به عنوان یک روش الگویی موثر نیز واقع شود، پرداخته نشده است؛ به مراتب پژوهشی که کار تطبیقی با روش الگویی بندورا نیز ارائه نشده است.

این نوشتار با رویکرد مسئله‌محوری به موضوع الگوپذیری حدیث شریف کساء و قابل تطبیق بودن آن با نظریه یادگیری مشاهده‌ای الگوپذیری بندورا می‌پردازد و در صد پاسخگویی به این سؤالات است:

- آیا حدیث کساء می‌تواند روش الگویی را طرح ریزد که بتوان از آن به عنوان یک اصل برای تولید روش‌های الگویی دیگر استفاده کرد؟
- آیا به کارگیری حدیث شریف کساء به تنهایی می‌تواند تکمیل‌کننده و حتی اصلاح‌کننده روش‌های الگویی پیشین باشد؟
- آیا حدیث شریف کساء قابل تطبیق با روش الگوپذیری بندورا است یا خیر؟



## ۱. مفاهیم

### ۱.۱. مفهوم الگوپذیری

در فرهنگ پارسی معنای لغوی الگو سرمشق نمونه (عمید: ۱۳۸۹) است و همینطور در لغت نامه دهخدا به معنای روْبُر، مدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه، مثال و نمونه به گرفته شده است.

در حوزه تعلیم و تربیت، معنای اصطلاحی الگو کاملاً با معنای لغوی آن تطابق دارد و به طرح و نمونه یا مدلی از شکل یا اشیا یا موردی از رفتار اطلاق می‌شود. الگو کاربردهای فراوانی در تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی و ارتباطات و غیره دارد و در این علوم علاوه بر معنای طرح و برنامه قابل اجرا و تکرار، معنی نمونه انسانی ارزشها و هنجارها و اخلاقیات را نیز می‌دهد. الگو: معنای مدل، گونه و هنجار از آن برمی‌آید، الگو آن چیزی است شکل گرفته در یک گروه اجتماعی، به این منظور که به عنوان راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی به کار آید. (قائمی مقدم، ۶۹/۱۳۸۲)

انسان‌شناسان اصطلاح الگو را حداقل از سال ۱۸۷۱ میلادی، به مفهومی چندجانبه به کار برده‌اند؛ این کاربرد آزاد تاکنون ادامه دارد. بر همین مبنا از الگو، گاه در توجه به کیفیت‌های رفتاری، الگوهای آرمانی و رفتاری و گاه در توجه به اصول فرهنگ‌ها یاد شده است. (گولد، ۹۱/۱۳۷۶)

در مباحث جامعه‌شناسی واژه الگو با واژه مدل که می‌توان گفت نسبتاً مترادف با الگوست کاربرد دارد. بر همین مبنا، مدل‌سازی modeling یکی از روش‌های تثبیت یا تغییر رفتارها و هنجارها به شمار می‌رود. بنا بر فرهنگ علوم رفتاری، هدف‌سازی یا سرمشق‌سازی یکی از فنون رفتاردرمانی است که برای تغییر و تعدیل رفتار در ضمن یادگیری و با فرصت و امکان دادن به فرد به کار می‌رود که از کسی تقلید کند.

واژه الگو در لسان عربی معادل با واژه اسوه است که در لغت‌نامه‌هایی همچون قاموس‌نامه به معنای «اقتدای شخص به شخص دیگر به طوری که حالاتش شبیه به آن شود» و در دهخدا به معنای «پیشوا، مقتدا، قدوه و پیشرو» است، خصلتی که شخص لیاقت مقتدایی و پیشوایی را دارا باشد، اما در فرهنگ لسان عرب نیز به تسلای خاطر، دلداری و پیدا کردن کسی که با او هم مصیبت است برای دلجویی کردن و شریک شدن در سختی برای آسان شدن در مصیبت‌ها توضیح داده شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵/۱۴)

### ۱.۲. اسوه در قرآن

در فرهنگ قرآنی نیز واژه اسوه به کار گرفته شده. واژه اسوه در قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره احزاب درباره رسول اکرم ﷺ و در آیات ۴ و ۶ سوره ممتحنه درباره ابراهیم خلیل الله و پیروانش به کار برده است و به معنای تبعیت کردن شخص از دیگری در همه حالات و شرایط است؛ خواه حسنه باشد خواه سیئه باشد پیروی کند. بر همین اساس خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». (احزاب: ۲۱)

خداوند تبارک، پیامبر ﷺ را به عنوان اسوه‌ای که حسنه است معرفی می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۷۴/۱)

شأن نزول آیه ۲۱ سوره احزاب هنگام جنگ غزوه خندق که به احزاب نیز معروف است صورت گرفته و در تفسیر آن به پیامبر اکرم ﷺ اشاره دارد که در بحبوحه و فضای جنگی که قرار است اتفاق بیفتد با مردم دست یاری داده همراه آنان شروع به کندن خندق می‌کند و جهت حفظ روحیه و گرم نمودن دل و جان پیروان بر حقشان به مزاح می‌پردازد و با دادن شعارهای حماسی آنان را تشویق می‌کند و نوید آینده درخشان را می‌دهد و از توطئه‌های دشمن آنان را بر حذر می‌دارد و هوشیار می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴۲/۱۷)



در چنین شرایطی خداوند پیامبر ﷺ را اسوه معرفی می‌کند.

و در سوره‌ای دیگر خداوند تبارک و بی‌زگی افراد اسوه را این‌گونه تعریف می‌کند: قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ. (احزاب: ۴)

در تفسیر به اسوه بودن حضرت ابراهیم و پیروانش در تبری جستن از مشرکین اشاره دارد و به نوعی به استقامت و پایداری در امر تبری دارد تا زمانی که مشرکین دست از شرک شسته و به خداوند ایمان آورند و در آیه ۶ سوره ممتحنه به تاکید بر آن می‌پردازد در این راستا کسانی که تبری می‌جویند متحمل رنج و سختی نیز می‌شوند که جزء ناگزیر آن محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۴/۱۹).

پس نکته مهمی که قابل توجه است این می‌باشد که واژه اسوه در سیاق و تفسیر این آیات همراه با یکسری ویژگی‌ها و خصوصیات است که معنای عام اقتدا و پیشوا را نمی‌رساند و در شان نزول این آیات بر جنگ‌ها و فتنه و مصیبت‌هایی اشاره دارد که با ارائه نمونه‌ای خاص امر را بر شخص مورد نظر آسان و حل می‌کند که می‌توان در برابر آن استقامت کرد.

### ۳.۱. اسوه در روایات

با مراجعه به احادیث و روایات می‌توان به معانی دیگری غیر از معنای قرآنی آن دست یافت که معنای آن را به دو دسته اسوه به معنای امام و پیشوا و معنای دیگر تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها دانست.

### ۱.۳.۱. اسوه به معنای تحمل دشواری‌ها

۱. فَتَأْسَ بِبَيْبِكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ ﷺ فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأَسَّى وَ عَزَاءً لِمَنْ تَعَزَّى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسَّى. (صالح، ۱۴۱۴: ۲۲۷/۱)

در این حدیث مردم را به تاسی از نبی اکرم ﷺ توصیه می‌کند درحالی که رفتاری زاهدانه و جاهدانه در راه خدا را در پیش گرفته است.

۲. فی کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» باسناده الی سلمان الفارسی عن النبی صلی الله علیه و آله حدیث طویل یقول فیہ لعلی علیه السلام یا أخی أنت سیفی بعدی و ستلقى من قریش شدة و من تظاهرهم علیک و ظلمهم لک، فان وجدت علیهم أعوانا فجاهدهم و قاتل من خالفک بمن وافقک، و ان لم تجد أعوانا فاصبر و کف یدک و لا تلق بها الی التهلکة، فانک منی بمنزلة هارون من موسی علیه السلام، و لک بهارون أسوة، إذ استضعفه قومه و کادوا یقتلونه فاصبر لظلم قریش و تظاهرهم علیک، فانک بمنزلة هارون و من تبعه و هم بمنزلة العجل و من تبعه. (حویزی، ۱۴۱۵: ۷۴/۲)

پیامبر اکرم ﷺ در این حدیث به سختی‌ها و دشواری‌های بعد از خودش که برای امام علی علیه السلام اتفاق می‌افتد سخن می‌گوید و راهنمایی‌هایی در این راستا به امام می‌کند که در انتهای حدیث برای آسان شدن این مصائب به سختی‌ها و ظلم‌هایی که مشرکین بر هارون روا می‌داشتند یادآور می‌شود که هارون این‌گونه با مشکلات و سختی‌ها روبه‌رو می‌شده تو نیز می‌توانی همچون او بر این دشواری‌ها فائق شوی.

### ۱.۳.۲. اسوه به معنای پیشوا و الگو

«و لا تخف فی الله لومة لائم، و انصح لمن استشارک، و اجعل نفسک أسوة لقریب المسلمین و بعیدهم». (ثقفی، ۱۳۹۵: ۲۴۹/۱)



پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند: در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای پروا به دل راه مده و برای کسی که با تو مشورت می‌گیرد نیک‌خواه باش و برای کسانی که چه از تو دورند و چه به تو نزدیک‌اند الگو و مقتدا باش.

«فَإِنَّ لَنَا بِالرُّسُلِ أُسْوَةً كَانُوا يَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ وَ يَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَ كُلُّ جِسْمٍ مَغْدُودٌ بِهَذَا إِلَّا الْخَالِقَ الرَّازِقَ لِأَنَّهُ جَسَمَ الْأَجْسَامِ وَ هُوَ لَمْ يَجَسَّمْ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۰/۵۰)

همانا ما به پیامبران اقتدا می‌کنیم که می‌خوردند و می‌آشامیدند و در بازار راه می‌رفتند؛ و هر جسمی محتاج به غذاست جز خالق رزاق که او را جسم کرده و خودش جسم نیست. این احادیث مربوط به امور عامی است که لزوماً رنج و سختی با آن همراه نیست و می‌توان گفت که اسوه در روایات بر مفاهیمی غیر از دشواری و سختی بر مفاهیم عامتری که می‌تواند شامل همه شئون زندگی را دربر می‌گیرد نیز باشد.

#### ۴.۱. فرق اسوه و الگو

همان‌طور که اشاره شد در فرهنگ فارسی واژه «الگو» به کار می‌رود و معادل آن در فرهنگ عربی اسوه است که با تعمق و تأمل بیشتر در تعاریف لغوی و اصطلاحی در علوم مختلف این دو واژه هم‌تراز هم قرار نمی‌گیرند و بیشتر در واژه الگو فقط با معنای عام اسوه می‌تواند برابری کند و به معنای خاص آن هیچ توجهی نشده است.

اسوه و قدوه عمدتاً ناظر به الگوهای انسانی است و بیشتر در مورد تربیت و تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان به کار می‌رود. درحالی‌که واژه «الگو»، علاوه بر این‌ها، به معنی طرح، مدل، نمونه و غیره نیز آمده است که عمدتاً در مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد. (قائمی مقدم، ۱۳۸۲)

پس باید خاطر نشان کرد که در این پژوهش به نظام تعلیم و تربیتی که جامعه هدف آن انسان است می‌پردازیم که به همین دلیل واژه اسوه در این حیطه می‌تواند جامعیت بیشتری



نسبت به واژه الگو داشته باشد و به این خاطر که اسوه معادلی همراز خود در فرهنگ پارسی ندارد، اگرچه مقصود ما در این پژوهش واژه اسوه به خاطر جامعیت داشتن و امتیازاتی که فراتر از واژه الگو که ابتدا ثابت شد است اما به ناچار به خاطر اینکه زبان مورد نظر فارسی است نزدیک‌ترین معادل را باید انتخاب کرد که همان واژه الگوست.

## ۲. روش الگوپذیری

تاکنون نظریات بسیاری در رویکردهای مختلف روانشناسی از جمله ارتباط‌گرایی، ساختن‌گرایی، شناخت‌گرایی، رفتارگرایی در زمینه یادگیری صورت گرفته که «بندورا» از جمله نظریه‌پردازان رویکرد شناختی و بنیانگذار نظریه شناختی، اجتماعی است که به طور وسیعی مورد توجه علوم مختلف و رشته‌های گوناگون قرار گرفته است و یافته‌های پژوهشی بسیاری حاکی از حمایت آن دارد.

این نظریه در پی اثبات این است که بسیاری از یادگیری‌ها در محیط اجتماعی صورت می‌پذیرد که ما با مشاهده دیگران، دانش، قواعد، مهارت‌ها، راهبردها، عقاید و نگرش‌ها از طریق مشاهده و استفاده از الگوها، مفید بودن و مناسب بودن رفتارها را می‌آموزیم. (بهزادی و محمودی) به اعتقاد نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی، بهترین نوع یادگیری و تربیت، تربیت به وسیله‌ی الگو است که به آن «روش الگویی» می‌گویند.

باید خاطر نشان کرد که به کارگیری یک روش در نظام تعلیم و تربیت همان مجموعه اقداماتی است که برای تحقق اهداف تربیتی صورت می‌گیرد که بسان یک نقشه و چراغی است که راه رسیدن و چگونه به کارگیری امور تربیتی را برای ما سهل و آسان می‌نماید ما در این پژوهش از میان مجموعه‌ی گسترده رویکردها در باب نظریه یادگیری به نظریه شناختی، اجتماعی بندورا با روش الگویی او پیش می‌رویم.



### ۳. نظریه بندورا

بندورا بنیانگذار نظریه شناختی اجتماعی است که در ابتدا یادگیری اجتماعی بود اما بعدها رنگ و بوی شناختی تر به خود گرفت و بعد از آن به شناختی، اجتماعی تغییر یافت. نظریه بندورا از جهاتی با نظریه‌های رفتاری شباهت دارد؛ از این لحاظ که هر دو از مفاهیمی همچون تقویت و تنبیه در نظریه‌های خود به کار برده‌اند اما تفاوت‌شان در این است که در رفتارگرایان محرک‌های بیرونی عاملی تعیین‌کننده است، اما در نظریه بندورا هم محرک‌های محیطی و هم عوامل شناختی در کنترل رفتار تأثیرگذارند.

بندورا به تعیین نگرى متقابل معتقد است بر این اساس که عوامل شخصی با رویدادهای طبیعی و رفتارهای فرد بر یکدیگر تأثیر گذارند. در این نظریه یادگیری از طریق مشاهده صورت می‌پذیرد بدان‌گونه که فرد وقتی که رفتاری را مشاهده می‌کند که همان شخص به سبب آن رفتار تقویت می‌شود آن رفتار توسط مشاهده‌گر یادگرفته می‌شود. همچنین بندورا بین عملکرد و اکتساب تفاوت قائل است و معتقد است که تمام رفتارها یادگرفته می‌شود منجر به تقلید آن نمی‌شود بلکه یکسری عواملی نیاز است تا مشاهده‌گر آن رفتار را تقلید کند. (کدیور، ۱۳۸۶: ۷۲)

#### ۳.۱. موقعیت الگو

بندورا و همکارانش سه عامل تأثیرگذار در فرایند الگوپذیری معرفی می‌کند؛ ویژگی‌های الگو، ویژگی‌های مشاهده‌کننده و پیامدهای پاداش مربوط به رفتارها.

#### ۳.۲. ویژگی‌های الگو

برای اینکه امر تقلید و الگوپذیری صورت بگیرد عواملی دخیل و تأثیر گذارند که یکی از آنها ویژگی‌های الگوست. طبق عقیده بندورا افراد بیشتر از کسانی تقلید می‌کنند که

هم‌جنس و هم‌سن باشد ما با احتمال قوی تحت تأثیر الگوهای همسال و هم‌جنس خود که دارای مشکلی مشابه مشکل ماست، قرار می‌گیریم و همین‌طور از کسانی الگوبرداری می‌کنیم که شبیه به ماست نه اینکه از جهات گوناگون با ما متفاوت باشند، همچنین می‌توان به مقام شهرت نیز اشاره کرد که این‌که امروزه به وضوح می‌توان تأثیر کسانی که مشهور هستند در فضای رسانه درک کرد به این صورت که برای تبلیغات از کسانی استفاده می‌کنند که نزد مردم از شهرت و مقام بالایی برخوردار است مثل به کارگیری بازیگران و ورزشکاران در تبلیغات. (سیف، ۱۴۰۰: ۲۶ و ۱۷۶)

در حدیث شریف کساء نیز شخصیت‌هایی همچون پیامبر ﷺ فاطمه زهرا، امام علی و حسنین علیهم‌السلام که هرکدام آنان در جایگاه پدر بزرگ، مادر، پدر و فرزندان هستند که با اعمال و کردار خود در یک جمع خانوادگی و کامل، هر کدام می‌تواند الگویی برای همسالان و همجنسان خود باشند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث شریف کساء جایگاه امام علی علیه‌السلام را چنین معرفی کرده: «و علیک السلام یا اخی و یا وصیی و خلیفتی، و صاحب لوائی قد اذنت لک، فدخل علی علیه السلام تحت الکساء» و ایشان را برادر، وصی و خلیف خود عنوان می‌کند. (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۱/۹۳۲)

پیامبران که جایگاه ویژه‌ای نزد خداوند دارند و وسیله و چراغی برای هدایت انسان‌هاست این‌گونه رابطه خود و او را توصیف می‌کنند همان‌طور که در قسمت بعد این حدیث چنین آمده است:

اللهمَّ إنَّ هؤلاء أهل بیتی و خاصّتی و حامّتی، لحمهم لحمی، و دهمهم دمی،  
یؤلّمنی ما یؤلّمهم، و یحزّنی ما یحزّنههم، أنا حرب لمن حاربهم، و سلم لمن  
سالمهم، و عدوّ لمن عاداهم، و محبّ لمن أحبّهم، إنّه منّی و أنا منهم.



خدایا اینان اند خاندان من و خواص و نزدیکانم؛ گوشتشان گوشت من و خونشان خون من است، می‌آزارد مرا هرچه ایشان را بیازارد و به اندوه می‌اندازد مرا هر چه ایشان را به اندوه در آورد. من در جنگم با هر که با ایشان بجنگد و در صلحم با هر که با ایشان در صلح است و دشمنم با هر کس که با ایشان دشمنی کند و دوستم با هر کس که ایشان را دوست دارد اینان از من هستند و من از ایشانم. (بحرانی اصفحانی، ۱۴۱۳: ۹۳۳/۱۱)

پس در روش‌شناسی غربی، بندورا معیارها را مشخص کرده است و هر کسی که این معیارها را داشته باشد می‌تواند الگوی شخص قرار گیرد، اما نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که در اسلام ضمن معرفی ویژگی‌های الگوی خود افراد مشخصی را تعیین می‌کند و به توصیف این افراد می‌پردازد. نقدی که می‌توان در اینجا وارد کرد این است که انسان با عقل خود به یک نتیجه‌گیری می‌رسد که فلان شخص، به دلیل داشتن این ویژگی‌های خاص الگوست، اما ممکن است دچار اشتباه شده باشد و او فقط به ظاهر فرد توجه کرده است و شاید که فلان شخص اصلاً شایستگی الگوی خوب و شایسته برای شخص نباشد و به عبارتی ظاهر و باطن شخص یک حقیقت واحد را نشان ندهد، پس نیاز به یک علمی بالاتر از درک و شعور آدمی نیاز است که هم به ظاهر و هم به باطن توجه دارد و همه جوانب الگو را در نظر دارد و اشخاصی را معین می‌کند و به توصیف صفات و جایگاه آنان می‌پردازد. همانند حدیثی که ذکر شد و این آیه از قرآن کریم: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا». پیامبر اکرم ﷺ به عنوان بهترین الگو به او باید اقتدا کرد و این یک وظیفه ثابت است که به او تاسی جست و پیروی کرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۳۲/۱۶)

اما می‌توان در حدیث شریف کساء به مؤلفه‌های دیگری که مشخص‌کننده ویژگی الگو نیز هستند، اشاره کرد؛ مواردی مانند عمل‌گرایی، عشق و محبت، زیبایی‌شناسی کلامی، اخلاص (فلاح رفیع، ۱۳۹۱: ۳۳-۵۷)

در بخش عملگرایی مخاطب زمانی جذب الگو می‌شود و به آن اعتماد می‌کند و برای همیشه از او پیروی می‌کند که به او ثابت شود آنچه که می‌گوید با آنچه که انجام می‌دهد یکسان باشد و خلاف یکدیگر عمل نکند، اما اگر به الگوپذیر ثابت شود که حقیقت شخص هماهنگ به یکدیگر است، به او اعتماد می‌کند به این خاطر که صداقت که از فطریات خوب انسان است و همین سبب حقیقت‌جویی که در وجود همه انسان‌ها هست می‌شود جذب چیزهایی شود که او را وصل به حقیقتی کند و همه چیز را برایش ظاهر و شفاف جلوه کند.

می‌توان برخی از احادیث پیامبر ﷺ را به طور عملی در حدیث شریف کساء مشاهده کرد برای نمونه عبارت «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدْبَهُمْ يَغْفَرُ لَكُمْ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴/۲۲۲) به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آن‌ها معاشرت نمایید.

پیامبر اکرم ﷺ خود با عباراتی نیکو از فرزندان‌شان استقبال کرده و آنان را به حضور فرا می‌خوانند. ایشان به امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: «يَا وَلَدِي وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۱/۹۳۲) و به امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۱/۹۳۲).

رسول خدا ﷺ دختر خود را نیز با القاب و عباراتی نیکو و دلنشین خطاب قرار داده و ایشان را پاره تن خطاب می‌کنند: «و عليك السلام يا بنتي يا بضعتي». (همان)

پیامبر اکرم درباره نگاه فرزند به والدین این‌گونه می‌فرماید: «مَا وَلَدٌ بَارٌّ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ بِرَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ»؛ هر فرزند نیکوکاری که با مهربانی به پدر و مادر خویش بنگرد، در مقابل هر نگاه، ثواب یک حج کامل مقبول به او داده می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱/۷۳)

ما این نگاه‌ها را بسیار در حدیث شریف کساء مشاهده می‌نماییم: «و صرت أنظر إليه و إذا وجهه يتلأأ كأنه البدر في ليلة تمامه و كماله» زهرای کبری علیها السلام بعد از آن که کساء را به پدرش تقدیم می‌کند با زیباترین نگاه و نیکوترین توصیف پدر خود را توصیف می‌نماید



و او را همانند ماه شب چهارده که در حال درخشیدن است توصیف می‌نماید. (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۹۳۱/۱۱)

در بخش عشق و محبت می‌توان گفت محبت غذای روح انسان‌هاست چه آنکه محبت بیشترین تناسب را با فطرت و سرشت دارد، پس یک نیاز طبیعی است همان طور که انسان نیاز به آب و غذا دارد، به محبت نیز نیاز دارد. انسان طبعاً خودش را دوست می‌دارد و می‌خواهد که مورد توجه و محبوب دیگران باشد. سلامت جسم و احساس محبوبیت در اطمینان خاطر و آرامش نفس که تأثیرگذار در سلامت جسم و اعصاب است، مؤثر است و به احتمال زیاد به محبت‌کننده خود علاقه پیدا می‌کند و به خاطر حب ذاتی که دارد نسبت به علاقه مندان خود خوشبین شده و آنان را دوست می‌دارد و جزو افراد قابل اعتمادش قرار می‌گیرد، پس انسان در مسیر کمال به آن نیاز دارد و امر تربیت را سهل و آسان می‌نماید، بنابراین می‌توان عشق و محبت را جزو اعجاب‌انگیزترین پدیده عالم قلمداد کرد.

از این رو محبت ورزیدن و علاقه قلبی به متریان و همین طور متریان، هدیه‌ای الهی است که خداوند سبحان بر اساس شایستگی‌های تکوینی و اکتسابی به برگزیدگان و شایستگان خود عطا می‌کند. همان طور که خداوند درباره پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «وبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك» به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی؛ و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند (آل عمران: ۱۵۹)

بنابراین عشق و مهرورزی باعث نرم شدن لسان و قول شده و عاملی در جهت نزدیکی و جذب و نفوذ در دل‌ها می‌شود و آنان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. همچنان که در حدیث شریف کساء بر خورد محترمانه و محبت‌آمیز را که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد می‌توان از کلام و رفتارشان به خوبی درک کرد.

بخش دیگر مربوط به زیبایی شناسی کلامی است اگرچه کلام دارای ابعاد مختلف فلسفی، دینی، عرفانی، هنری، اخلاقی، روان‌شناختی و... است، اما از لحاظ تفهیم نقش

مهمی را در ارتباطات ایفا می‌کند می‌توان گفت حدیث شریف کساء که حالتی روایتی داستانی دارد از شیوه ادیبانی خوب و تأثیر گذاری استفاده شده است و همین طور قابل فهم بودن و پیچیده نبودن آن از اصول اولیه مهم جذب مخاطب است. (فلاح رفیع، ۱۳۹۱: ۱۲/ ۳۳-۵۷) همان طور که حضرت موسی علیه السلام هنگام مأمور شدن به جانب فرعون از خداوند استمداد کرد تا برادرش هارون را به مدد وی بفرستد با این دلیل که «أخی هارون هو أفصح منی لساناً فأرسله معی رداً یصدقنی» (قصص: ۳۴) و برادرم هارون، زبانش از من فصیح‌تر است، او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند. در ادامه حضرت موسی باز هم از خداوند اکرم درخواست می‌کند تا زبانش را گویا گرداند: «وأحلل عُقدة من لسانی یفقهوا قولی». (طه: ۲۸-۲۷) گره از زبانش بگشای تا سخنان مرا بفهمند.

بخش بعدی اخلاص است؛ انجام هر کاری با اخلاص ارزشمند می‌شود و از جایگاه خاص و ویژه‌ای برخوردار است. اخلاص بسان مهری می‌ماند روی کارها، حتی اگر آن کار محقق شده باشد باز هم بی‌اثر و ناتمام است، اگر در معیت و همراهی اخلاص نباشد. تأثیر و نفوذ اخلاص آن قدر شدید است که وقتی یک فعلی سراسر مملو از آن شد علاوه بر اینکه روی خود انجام دهنده تأثیر می‌گذارد و او را وصل به پروردگارش می‌کند، روی دیگران نیز تأثیر می‌گذارد و آنان را مجذوب خود می‌کند.

همان‌گونه که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باب این‌گونه می‌فرماید: «وَمَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ، أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ وَ مَنْ أَصْلَحَ فِيْمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، أَصْلَحَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى- فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ»؛ هر کس باطن خود را اصلاح کند خداوند ظاهر او را نیکو گرداند، آن که میان خود و خدا را اصلاح سازد خدا میان او و مردمان را نیکو دارد. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۵/۶۸۸)

کسی که در مقابل هر امری نخست رضای الهی را در نظر دارد و بر آن پایدار است و تمام کارهای خویش را بر این اساس تنظیم می‌کند و به سرانجام می‌رساند، چنین شخصی



مشمول رحمت و عنایت ویژه پروردگار عالمیان قرار گرفته، سپس پروردگار منان رابطه او را با مردمان سامان می‌گرداند.

علاوه بر این اصلاح رابطه با پروردگار مستلزم راستگویی، امانتداری و درستی است و همچنین کسی است که هیچگاه خلاف اوامر الهی عمل نمی‌کند و همواره در اطاعت پروردگار خویش است و با توجه به آخرت خود تقوای الهی را پیشه کرده و پرهیزکاری را سرلوحه زندگانی خویش قرار می‌دهد. پر واضح است که چنین شخصی مورد نفرت کسی قرار نمی‌گیرد چرا که نه ظلمی به مردم می‌کند و نه نسبت به آنان بی‌تفاوت است، پس اینکه بگوییم اخلاص یکی از نکات کلیدی در جذب مخاطب یا الگوپذیر است و باعث آسان شدن امر یادگیری از الگو به واسطه عنایت ویژه پروردگار می‌شود سخنی به‌جا و روشن است.

بنابر آنچه قبلاً ذکر شد آیه تطهیر شامل اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام می‌شود که مظهر پاکی از هر گونه آلودگی است می‌توانند نمونه‌های مخلصین باشند.

### ۳.۳. یادگیری مشاهده ای

بندورا رفتاری را که با مشاهده کردن و تقلید کردن که به صورت عمدی یا تصادفی یاد گرفته می‌شود «یادگیری مشاهده‌ای» نامیده است. اگرچه بندورا یادگیری رفتار از طریق مستقیم را انکار نکرد اما یادگیری مشاهده‌ای را به دلیل عدم نیاز به کوشش و خطا، امتیاز بیشتری برای آن قائل است.

گاهی اوقات با وجود مشاهده رفتار آن رفتار یاد گرفته نمی‌شود چرا که عواملی در الگو و نیز مشاهده‌گر تأثیرگذار هستند که در موفقیت یا عدم موفقیت یادگیری مشاهده‌ای و فرایند الگو سازی دخیل هستند. بندورا عوامل زیر را معرفی نموده است.



اگر بنا بر این باشد که از طریق مشاهده رفتاری را یاد گرفت توجه به رفتار الگو از جمله مراحل حساس در یادگیری از طریق مشاهده است، پس ابتدا باید چیزی در رفتار الگو وجود داشته باشد که توجه یادگیرنده را به سوی خود جلب نماید و آن محرکی در جهت تقلید آن توسط یادگیرنده شود که می‌توان گفت شباهت بین الگو و مشاهده‌کننده، موقعیت اجتماعی الگو و وجه و اعتبار از جمله عوامل تأثیر گذار در جلب توجه است. (کدیور، ۱۳۸۶: ۸۳/۱)

مخاطبین ما در حدیث شریف کساء از جمله پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام ایشان هستند که مظهر کرامت و علم و دانش اند همان طور که در روایات و احادیث به طرق مختلف ذکر شده است:

علی بن ابراهیم، قال فی روایة أبی الجارود، عن أبی جعفر علیه‌السلام، فی قوله: إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. قال: نزلت هذه الآية فی رسول الله، و علی بن أبی طالب، و فاطمة، و الحسن، و الحسين علیهم‌السلام، و ذلك فی بیت أم سلمة زوج النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فدعا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم أمير المؤمنين، و فاطمة، و الحسن، و الحسين علیهم‌السلام، و ألبسهم كساء له خبيريا، و دخل معهم فيه، ثم قال: اللهم، هؤلاء أهل بيتي الذين وعدتني فيهم ما وعدتني، اللهم أذهب عنهم الرجس، و طهرهم تطهيرا. (بحرانی، ۱۳۷۴: ۴/۴۶۰)

این روایت اشاره به زمانی دارد که پیامبر در خانه ام‌سلمه بوده و آیه تطهیر به پیامبر نازل می‌شود و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت فاطمه، امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام را نزد خود در زیر کساء فرا می‌خواند و می‌فرمایند: خداوندا اینان اهل بیت من هستند همان کسانی که درباره آنان به من وعده دادی، پروردگارا پلیدی را از آنان دور بگردان و آنان را پاک گردان.





در تفسیر المیزان ذیل آیه «إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُم تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳)، آمده است وجود واژه‌های «انما» و «اهل بیت» در آیه که دلالت بر حصر و اختصاص دارد به معنای این است که کسانی را که خداوند می‌خواهد آنان را از رجس و پلیدی دور گرداند تنها اهل بیت هستند و تنها آنان مخاطب خداوندند. پس کسانی که تحت کساء هستند چه از لحاظ شهرت، چه از لحاظ موقعیت، وجه و اعتبار در صدر عالم خلقت‌اند و دارای رجحان‌های اکتسابی و تکوینی به عنوان الگوی بی‌نقص و بی‌خطا می‌توان به آنان رجوع کرد.

### ۲.۳.۳. فرایندهای یادداری

در مرحله دوم از یادگیری که در مجاورت اتفاق می‌افتد (یادگیری مشاهده‌ای) لازم است که اعمال مشاهده شده بازنمایی شوند. کاربرد بازنمایی برای نگهداری مطالب و استفاده از آن‌ها در موارد دیگر ضروری است که این امر به دو صورت تجسمی (تصویر ذهنی پدیده‌ها) و کلامی انجام می‌شود. در مرحله بازنمایی تجسمی به خلق تصویر ذهنی می‌پردازد که در اثر تکرار مشاهدات، تصویرهای ذهنی پایدار و قابل یازیبی از عملکردهای الگو را در مشاهده‌کننده تولید می‌کنند و در بازنمایی کلامی این قابلیت را دارد که اطلاعات زیادی را در حافظه ذخیره کند، پس مشاهده گرانی که اعمال الگو را به صورت کلمات، نشانه‌های مختصر، یا تصویرهای روشن ذهنی تبدیل می‌کنند در فرایند بازنمایی یا یادداری خوب عمل می‌کنند. (بندورا، ۱۹۷۷/۲۶)

حدیث شریف کساء که در آن پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت پاک و و مطهر ایشان است، روایتی را ذکر می‌کند که می‌توان به نکات تربیتی بسیاری در آن دست یافت. از باب نمونه اگر حدیث شریف کساء مکتوب را در کنار نکات تربیتی که می‌توان از آن استخراج کرد قرار دهیم برابری نمی‌کند و نکات آن خیلی بیشتر از خود آن است؛ پس یعنی کلماتی که در این حدیث هستند دارای معانی پر مغز است.

اضافه بر این حدیث شریف کساء دعایی است که مسلمانان همواره از آن یاد می‌کنند و در مراسم مذهبی آن را می‌خوانند و حتی در مشکلات خود به آن توسل می‌جویند و برای دفع ضررها و ارسال برکت از جانب خداوند به آن تمسک بسته و می‌خوانند؛ پس کاربرد و به کارگیری آن بسیار بوده چرا که جنس آن ذکر و دعاست و همواره آن را یاد می‌کند و با زندگی آنان عجین می‌شود پس در خاطر ثبت می‌شود و از آنجا که حدیث شریف کساء حالتی داستانی دارد و نکات تربیتی خود را در قالب داستان به خوبی ترسیم می‌کند مخاطبان به راحتی می‌توانند آن را در ذهن خود مجسم کرده و بهتر بتوانند درک کنند.

### ۳.۳.۳. فرایند انگیزش

به اعتقاد بندورا مشاهده گر وقتی تصور کند رفتاری که مشاهده می‌کند با ارزش است بهتر به آن توجه می‌کند و نسبت به آن اهتمام می‌ورزند چرا که مشاهده گر تمام چیزهایی که مشاهده کرده یا فرا گرفته است را بروز نمی‌دهد و از میان آنها تنها چیزهایی را که برای او نقش تقویت‌کننده داشته است و دارای نتایج عالی و ترغیب‌کننده است، بروز می‌دهد و اگر بداند که دارای نتایج خوبی نیست و برایش بی‌فایده است از آن احتراز می‌کند. این انگیزش تأییراتی را که تقویت ممکن است داشته باشد پیش‌بینی می‌کند و شخص را برمی‌انگیزد که فرایند رمزگردانی و به یادسپاری چیزی را که بدان توجه کرده بود انجام دهد و این بر یادگیری رفتار مشاهده‌کننده اثرگذار است. اضافه بر این، بندورا فرایندهایی را در این فرایند انگیزش دخیل می‌داند که آن‌ها عبارت‌اند از تقویت جانشینی و خود-تحسینی؛ بدین صورت که مشاهده‌گر بدون داشتن تقویت مستقیم ترغیب به انجام آن می‌شود و دیگری این‌گونه است که مشاهده‌گر از چیزهایی که مخالف ارزش‌های وی است سر باز می‌زند. (کدیور، ۱۳۸۶: ۸۴/۱-۸۵).

در حدیث شریف کساء نیز می‌توانیم نمونه‌های تقویت جانشینی و خود-تحسینی را برای مخاطبی که آن را مطالعه می‌کند دریابیم. برای نمونه می‌توان به گفتگوهایی که بین فرزندان و



والدین می‌شود و آنان را با نیکوترین نام‌ها و القاب صدا می‌زند و در مقابل به نیکوترین القام و نام‌ها پاسخ‌شان را می‌دهند اشاره کرد؛ مشاهده‌گر یا خواننده وقتی که می‌بیند برخوردار نیکو بازخورد نیکو را به همراه دارد، ترغیب و تقویت می‌شود که خود نیز همچین رفتاری را انجام دهد تا به آن نتیجه عالی که پیش‌بینی می‌کند برسد.

و در قسمت بعدی خود-تحسینی با توجه به آثار و برکاتی که حدیث کساء بر جای می‌گذارد به نظر می‌رسد برای انگیزش از طریق خود-تحسینی کفایت کند. می‌توان به ذکر نمونه‌هایی از آثار و برکاتی را که بر زندگی می‌گذارد در اینجا ذکر کرد.

استجاب دعا یکی از آن موارد است چرا که شرط اصلی پذیرش دعا اعتقاد داشتن به اهل بیت علیهم‌السلام و تسلیم بودن در برابر آن‌هاست و خواندن حدیث کساء در واقع نوعی اعتراف به این موضوع است و با تمسک جستن از پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام و توسل کردن به آنان حاجات را طلبیدن سبب می‌شود که خداوند به همین جهت (واسطه قرار دادن اهل بیت) حاجات شخص را برآورده سازد، همان طور که عالمان دینی برای گرفتن حاجات مردم را به خواندن حدیث شریف کساء ترغیب می‌کند.

همان طور که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيَا يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا مَا ذَكَرَ خَيْرَنَا هَذَا فِي مُحْفَلٍ مِنْ مُحْفَلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحَبِّينَا وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَفَرَجَ اللَّهُ هَمَّهُ وَلَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ وَ لَا طَالِبَ حَاجَةٍ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا وَاللَّهِ فَرْنَا وَسَعَدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَازُوا وَسَعَدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: قسم به آنکه به حق، مرا به پیامبری مبعوث کرد، این حدیث در مجلسی از مجالس اهل زمین که جمعی از دوستان و شیعیان ما در آن باشند، نقل نمی‌شود، مگر اینکه از جانب خدا بر آن‌ها رحمت نازل می‌شود و ملائکه بر آن جمع احاطه نموده و

برای آن‌ها طلب مغفرت می‌کنند و اگر در بین آن جمع اندوهناک و غمگینی باشد، اندوه و غمش برطرف می‌شود.

امام علی علیه السلام پس از شنیدن آثار و فضایل آن فرمودند: «به خدا سوگند! ما و شیعیانمان در دنیا و آخرت رستگار شدیم و سعادت یافتیم». (شهید ثانی، بی تا: ۱۵۷/۱)

نجات از گمراهی و گرفتاری یکی دیگر از آثار و برکات این حدیث پر برکت است. حدیث شریف کساء از یک نوع تبارشناسی امامت و ولایت برخوردار است چرا که فرزندان امام حسین و امام علی علیه السلام که تبارشان از طریق حضرت فاطمه مرضیه رضی الله عنها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌رسند موضوع ولایت و شایستگی را به خوبی آشکار می‌کند و از انشعابات و انحرافات جلوگیری می‌کند و نشان‌دهنده یک الگوی معرفتی خوب برای شناخت اهل بیت و ولایت است و توجه و اهتمام به این حدیث باعث از بین رفتن فتنه‌های ناشی از فرقه‌های مختلف گمراه کننده است.

سید محسن شفیعی در کتاب خود این‌گونه نقل می‌کند: یکی از مراجع بزرگوار نقل می‌کردند که آیت الله قاضی به حدیث شریف کساء فراوان معتقد بوده است و اگر کسی نزد ایشان می‌آمده و از مشکلات خود به او می‌گفتند ایشان به خواندن حدیث شریف کساء توصیه می‌نمودند و همچنین برای جلسه‌ای که در آن حدیث کساء خوانده می‌شده است آداب خاصی را رعایت می‌نمودند؛ مثلاً سفارش به آتش زدن چوب عود. (شفیعی، ۱۳۹۰: ۶۸/۳)

توجه و توسل به اهل بیت علیهم السلام که از نتایج خواندن حدیث کساء می‌باشد باعث می‌شود که همواره نام و یاد خدا همواره صورت بگیرد و از آنجا که به حقانیت اهل بیت در حدیث اشاره می‌شود رضایت و خشنودی خداوند منان را به همراه دارد به خاطر که اعتراف به حقانیت اهل بیت با رضایت خداوند سبحان عجیب شده است و زمینه شناخت بندگان مقرب به خداوند و تقرب الهی را بدنبال دارد.





## نتیجه:

معنای اصطلاحی اسوه در علوم مختلف تقریبا برابر هستند، اما معنای الگو در قرآن کمی متفاوت است و دارای معانی اختصاصی دیگری است که الگو به معنای عام و کلی چندان به آن تعاریف نپرداخته است.

ارائه روش‌های الگوپذیری در کنار یکدیگر و تطبیق زدن آن‌ها ما را به کشف روش الگویی بهتر و تکمیل کردن روش‌های الگویی پیشین کمک خواهد کرد.

ما می‌توانیم با استفاده از حدیث شریف کساء به یک نمونه‌ای از روش الگویی که مورد تایید اسلام است دست یابیم و این روش با توجه به روش الگویی که بندورا ارائه داده است از طریق تطبیق‌پذیری با نظریه بندورا صورت گرفت، اما ما به مطالب تازه‌تری دست یافتیم که در خلال تطبیق لاجرم به تکمیل و نقد روش الگویی که قبلا ارائه شده بود صورت گرفت. در بخش ویژگی‌های الگو بندورا به سن، جنس، شهرت و مقام اشاره کرده است اما علاوه بر این‌ها می‌توان به عوامل دیگری مانند عمل‌گرایی، عشق و محبت، زیبایی‌شناسی کلامی و اخلاص نیز دست یافت. علاوه بر این در اسلام به معرفی الگوهای حسنه می‌پردازد اما در نظریه بندورا و دیگر نظریه پردازان غرب هیچگاه به افراد مشخصی به عنوان الگو نپرداخته‌اند.

## منابع:

قرآن کریم

۱. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۲. بیرو، آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۳. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴)، البرهان فی تفسیر قرآن، قم: موسسه بعثت.

۴. بهزادی، حسن و حسن محمودی (۱۳۹۷)، «بررسی نقش یادگیری مشاهده ای بر وضعیت مطالعه دانش آموزان پسر دوره متوسطه بر اساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا»، کتابداری و اطلاع‌رسانی، ش ۲۱.
۵. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله (۱۴۱۳)، عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)، قم.
۶. حسن، عمید (۱۳۸۹)، فرهنگ عمید، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربان‌زاده، ناشر: اشجع.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، جلد ۴، تهران: مرتضوی.
۸. سیف، علی اکبر (۱۴۰۰)، روان‌شناسی پرورشی نوین؛ روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران: دوران.
۹. شهید ثانی، زید الدین بن علی (بی‌تا)، مُسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد، قم: بصیرتی.
۱۰. شفیعی، سید محسن (۱۳۹۰)، آیت بصیرت، قم: بهشت بینش.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، جلد ۲۰، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الأخلاق، قم: [بی‌ا].
۱۳. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲)، «روش‌های الگویی در تربیت اسلام»، تهران: معرفت.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، کافی (ط- دار الحدیث)، قم: دار الحدیث.
۱۵. کدیور، پروین (۱۳۸۶)، روان‌شناسی یادگیری، تهران: سمت.



